



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان - 13 / اسفند / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به آقایان محترم و بزرگان و اعظام و علماء که در این جمع تشریف دارند، خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند متعال برکات خود را بر تلاش و گردهمایی شما نازل کند و این را ان شاء الله برای امت اسلامی و آینده مسلمین، مفید قرار دهد.

از بیانات حضرت آقای مشکینی و جناب آقای امینی دامت برکاتهما تشکر می‌کنیم؛ مطالب بسیار مهمی را بیان فرمودند که درخور پیگیری و تعقیب است. در آستانه ماه محرم هستیم که ماه تعلیم مجاهدت فی سبیل الله به وسیله ی برترین خلائق، حضرت اباعبدالله علیه السلام، است. امیدواریم که ما پیروان و شاگردان خوبی برای ایشان باشیم و حق پیروی و تبعیت نسبت به این بزرگوار را بر حسب آنچه که در این زمان وظیفه ماست، ان شاء الله انجام دهیم و همان طور که ایشان برای دفاع از دین خدا و دفاع از اسلام و امت اسلامی، آن مجاهدت بزرگ را به جان خریدند و آن فداکاری بزرگ را کردند و هیچ چشمداشت و نظری جز کسب رضایت الهی نداشتند، ما هم در این صراط قدم برداریم و قصد و نیت و هدفمان، طبق آنچه بر حسب موازین می‌فهمیم و تشخیص می‌دهیم، کسب رضایت الهی باشد.

مسئله حکومت و اداره امور جامعه در اسلام - همان طور که آقایان فرمودند - مسئله بسیار مهمی است و اگر منتخبان مردم و خبرگان امت دور هم جمع می‌شوند و درباره این مسئله و حواشی و لوازم آن بحث می‌کنند، هر دقیقه این بحثها می‌تواند مهم و سرنوشت ساز و موجب جلب ثواب الهی باشد؛ چون مسئله بسیار مهم است. در اسلام حاکمیت بر مردم، به معنای یک امتیاز و حق ویژه برای حاکم نیست؛ همچنین حکومت یک امر بی‌ملاک و بی‌مناط نیست - مثل این که بر حسب شانس و اقبال، یک نفر بیاید زمام امور مردم را در هر رده ای از رده ها برعهده گیرد - بلکه تابع معیارهاست و مهمترین کار این است که این معیارها رعایت شود. البته امکان خطا و اشتباه، هم در تشخیص و هم در عملکرد کسانی که تشخیص درستی نسبت به آنها داده شده، همیشه متصور است؛ بنابراین ما از کسی انتظار عصمت نداریم؛ لیکن اسلام در باب گزینش حاکمان در هر رده ای از رده ها، چه رده های بالا - که سیاستهای کلان، کارهای بزرگ و اداره امور کلّی کشور در دست آنهاست - چه رده های متوسط و پایین، معیارها و شرایطی گذارده است و آنچه بر عهده ماست، این است که این معیارها به طور کامل رعایت شود. لذا در اسلام آنچه ما به عنوان حاکمیت اسلامی شناخته ایم و امروز هم بنای کلّی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم سالاری دینی است که با دموکراسیهای رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد. ریشه مشروعیت رأی مردم در دموکراسیهای رایج دنیا اساساً با مشروعیت رأی مردم در نظام مردم سالاری اسلامی که ما به دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب می‌آوریم، متفاوت است. لذا در روشها، تفاوت بین اینهاست. در دموکراسیهای رایج جهانی، ضوابطی که ما برای اداره کشور و برای مدیران آن قائل هستیم، وجود ندارد؛ ممکن است ضوابط دیگری باشد. در این جا قدرت طلبی وجود ندارد. این طور نیست که دعوا بر سر این باشد که چه کسی بر اسب قدرت سوار شود و بتازد تا بتواند از هر وسیله ای برای این کار استفاده کند.

این که می‌گوییم سیاست ما عین دیانت است و دیانت ما عین سیاست است، یک طرف قضیه این است که سیاست و بنیان آن باید براساس دین باشد. روی دیگر سکه هم این است که فعالیت سیاسی نمی‌تواند از معیارها و ضوابط دینی و اخلاقی خارج باشد. کار غیراخلاقی برای کسب قدرت، مطلقاً جایز نیست و کسی را که در صراط مدیریت قرار دارد، از اهلیت و صلاحیت می‌اندازد؛ لذا این ضوابط باید به طور کامل در همه رده ها رعایت شود. قانون برای رهبری، ریاست جمهوری، مسؤولان قوای سه گانه و رده های مختلف مدیریت، تا رده های شوراهای شهر و روستا و



دیگر جاها ضوابطی را معین کرده است که برخاسته از همان دید و فکر اسلامی است. این ضوابط باید احراز شود. باید تشخیص داده شود که این شرایط در این شخص وجود دارد، بعد او در معرض رأی مردم قرار گیرد، اگر ملاک رأی مردم است؛ یا نصب شود، اگر ملاک، انتصاب است؛ مثل بعضی از مسؤولیتهایی که وجود دارد. حاکم اسلامی در قبال مسائل مهم جامعه، در مقابل فقر مردم، در مقابل تبعیض و شکافهای اجتماعی، در مقابل اخلاق و معنویت مردم، در قبال حفظ استقلال کشور و حفظ آزادی مردم - در آن حدودی که اسلام مقرر کرده است - مسؤول است. اینها مسؤولیتهاست و چون اسلام این را خواسته و این به مردم تعلیم داده شده است و مردم ما به اسلام اعتقاد دارند، لذا توقعشان از مسؤولان امر در کشور در هر رده ای این است که به این مسؤولیتهای عمل کنند و آنچه را که به عنوان وظیفه بر عهده آنهاست، انجام دهند. کارآمدی حکومت به این معناست. اگر مردم این کارآمدی را در مسؤولان کشور مشاهده کنند، اعتقادشان به آنها و به نظام اسلامی و اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد. دشمنان اسلام و بلندگوهای تبلیغاتی دنیا به طور دائم این را تکرار می کنند که مردم با اسلام و نظام اسلامی مشکل دارند؛ در حالی که مردم خودشان این نظام اسلامی را به وجود آوردند و خودشان تا امروز آن را حفظ کرده اند. مردم با نظام اسلامی هیچ مشکلی ندارند؛ آنها با تبعیض و فقر و فساد و عدم رعایت ضوابط در بخشی از تشکیلات اداری کشور در خصوص مدیران جامعه مشکل دارند. مردم با افراد مشکل دارند، نه با نظام اسلامی.

مردم نظام اسلامی را قبول دارند و به آن معتقدند و از آن دفاع کردند و امروز هم دفاع می کنند. لذا بنده وظیفه خود می دانم که از مردم به خاطر حضورشان در انتخابات شوراها تشکر کنم. با این که مردم گله های بحقی از شوراها داشتند، در عین حال شما ملاحظه کنید طبق آمار رسمی، بیش از بیست میلیون نفر در پای صندوقها حاضر شدند و رأی دادند. یقیناً اگر شوراها به وظایف خود عمل می نمودند و مردم را به نیتها و کارآیی خودشان امیدوار می کردند، استقبال مردم باز هم بیشتر می شد. مردم مایلند در اداره کشور به وظیفه خود عمل کنند و سهم و حق خود را نیز استیفاء نمایند. اگر کسانی هم که در شوراها سراسر کشور انتخاب شده اند، ان شاءالله به وظایف خود عمل کنند و از جنجال و غوغاگری سیاسی و پرداختن به اموری که وظایف آنها نیست، پرهیز کنند و به وظیفه خود بپردازند - که وظیفه آنها اداره امور شهرها و روستاها و رسیدن به مشکلات مردم در محدوده وظایف خودشان است - بلاشک علاقه مردم نسبت به این نهاد مهم جمهوری اسلامی که در قانون اساسی روی آن تأکید شده، بیشتر خواهد شد. دشمنان نظام و جمهوری اسلامی در این چند روز حنجره های خود را پاره کردند برای این که فریاد بزنند و از پدیده ای که در نظام جمهوری اسلامی به وجود آمده است - یعنی حضور مردم در شوراها و انتخاب افراد - استفاده های نادرست و مغرضانه کنند. حقیقت قضیه غیر از چیزی است که آنها می گویند. آنها بازیگران میدان سیاستند و برای مصالح سیاسی در دنیا علیه جمهوری اسلامی آنچه از عهده شان برآید، حرف می زنند؛ یک عده هم در داخل، همان حرفها را تکرار می کنند و آنچه را که آنها دوست می دارند، بر زبان می آورند. حقیقت قضیه این است که مردم به نظام و نهادهای آن علاقه مندند و توقعی که از مسؤولان دارند، کار و خدمت و انجام دادن وظایفشان است. در این خصوص، فرقی بین شورای شهر، مجلس شورای اسلامی، دولت و بقیه دستگاهها نیست؛ هرکدام وظیفه خود را انجام دهند، مردم را به خودشان علاقه مند و دلگرم خواهند کرد. اگر کسانی وظیفه خود را انجام ندهند، کوتاهی کنند، به کارهای دیگر سرگرم شوند و احیاناً افساد کنند - کما این که در بعضی از موارد مشاهده شده است کسانی که مردم آنها را برای کاری انتخاب کردند، به جای این که به آن کار بپردازند، به کارهایی پرداختند که مطلقاً به نفع مردم نیست، بلکه به زیان مردم است - طبعاً مردم دلسرد خواهند شد.

تفاوت دیگر دمکراسیهای رایج دنیا با نظام مردم سالاری دینی این است که در مردم سالاری دینی کارهای رایج دنیا و اسرافها و تبلیغات پر خرج مطلقاً نباید انجام گیرد. ما در همین سیستان و بلوچستان هزاران جوان را با استعدادها خوب و قابل رشد و قابل استفاده برای اداره کشور مشاهده می کنیم که اینها در یک جا معطل و منتظر یک وسیله



جزئی مانده اند برای این که بتوانند کار خود را دنبال کنند؛ آن گاه عده ای بیایند میلیاردها صرف تبلیغات کنند برای این که نظر مردم را به سمت خود جلب نمایند؛ آن هم با روشهای بعضاً غلط و بعضاً خلاف شرع، که شنیده شد در بعضی از مناطق، نامزدهای انتخابات با شعارهای ضداسلامی و ضدنظام خواسته اند نظر مردم را جلب کنند! البته مردم با بی اعتنائی خود، پاسخ اینها را دادند؛ لیکن معلوم شد دستگاه نظارت بر این امور، دستگاه دقیقی نبوده و به وظیفه خود عمل نکرده و درک و احساس مسؤولیت مردم از آن دستگاه، نظارت بیشتر بوده است و غالباً دست رد به سینه اینها زده اند و اینها را رد کرده اند. البته انتخابات گذشت؛ اما این که مسؤولان امور به وظیفه خود عمل نکنند، نگذشته است. این قابل بررسی و قابل تعقیب و پیگیری است و باید معلوم شود واقعاً تعمد داشته اند یا نه. کسانی را که امام صریحاً از گردونه سیاست کشور خارج کرده اند، چرا باید افرادی برخلاف نظر امام و برخلاف آنچه مبنای نظام جمهوری اسلامی است، وارد میدان کنند؟ البته مردم به اینها پاسخ رد دادند و معلوم شد برخلاف آنچه ادعا می کردند، هیچ پایگاه و وزنی در بین مردم ندارند.

رعایت ضوابط در همه بخشها و زمینه ها یک امر لازم است و باید با دقت و به طور کامل مراعات شود؛ آن وقت افرادی که صالح هستند، در اختیار مردم قرار گیرند تا آراء مردم، اصلح را در بین آنها انتخاب کند؛ آن گاه انتخابات به نحوه رایجی که وجود دارد، ان شاءالله مفید خواهد بود. همه باید این معنا را رعایت کنند. وقتی ما در دنیا شعار تحقق اسلام را می دهیم، این امر کوچکی نیست؛ پشت سر این شعار، احساسات و ایمان و عقیده و دین بخش عظیمی از جمعیت کره زمین قرار دارد. اگر ما بتوانیم ثابت کنیم که حقیقتاً به دنبال این شعار هستیم و ثابت کنیم که این شعار کارآیی دارد، آن گاه یک میلیارد و چند صد میلیون نفر جمعیت پشت سر این شعار قرار خواهند گرفت؛ این چیز کمی نیست. امروز غیر از منطقه اسلامی و غیر از مجموعه اسلامی، دلهای زیادی در دنیا هستند که می توانند این پیام را بپذیرند که دمکراسی با شیوه ای که امروز امریکاییها - این مظاهر زورگویی و قلدري - پرچمدارش شده اند، دردی از دردهای مردم دوا نمی کند. امریکا مظهر قلدري و زورگویی و زورمداری است و ابزارهای مادی زورگویی هم دارد، اما اینها کافی نیست؛ اینها جوله است: «للباطل جوله». ما در عمر خود شبیه این جوله را نسبت به قدرتهایی که امروز اثری از آثارشان وجود ندارد، دیده ایم؛ چه در سطوح ملی و چه در سطوح بین المللی. اتحاد جماهیر شوروی که امروز نشانی از آن در دنیا وجود ندارد، تا همین چند سال قبل یک قدرت بود و تا چند دهه پیش از این، همین زورگوییها و همین طور اعمال قدرتها را می کرد. شورویها در مجارستان، لهستان و اروپای شرقی چه کردند! کارهایی را که امروز امریکا در دنیا می کند یا تهدید می کند خواهد کرد، آنها انجام می دادند. با این که در آن روز دو قدرت و دو قطب وجود داشت و رقیب یکدیگر بودند، اما وجود آن رقابت مانع از فجایع آفرینی و جنایات نمی شد. آن کشور وسیع در داخل خود هم همین کارها را می کرد. مناطقی از دنیا را می گرفت و به خودش متصل می کرد و حکومتهایی را به زور تغییر می داد. بار اولی نیست که دنیا با قلدري و زورمداری بین المللی - که امروز مظهرش امریکاست - مواجه است؛ قبلاً هم وجود داشته است، بعد هم دیدیم که به کثی محو و مضمحل شدند. بنابراین هیچ ضمانتی وجود ندارد که قدرتهای زورگو در جوله ای که می کنند، باقی بمانند. این جوله مثل شعله ای است که بلند می شود و بعد هم فرو می نشیند و عوامل نابودی این حرکت در خود آن نهفته است.

یک روز بود که تنها در یک نقطه دنیا، پرچم امریکا سوزانده و شعار مرگ بر امریکا داده می شد؛ اما شما امروز ببینید در چند نقطه دنیا پرچم امریکا سوزانده می شود و شعار مرگ بر امریکا داده می شود! در خود امریکا پرچم امریکا را آتش زدند؛ این پدیده مهمی است. چه عاملی باعث این کار شد؟ آیا جز ایستادگی و استقامت یک ملت شجاع و مؤمن به اهداف و به راه خود توانست این موج را بتدریج سراسری کند؟ این چیزها تدریجی است - دفعی نیست - و آثار آن را در بلند مدت می شود فهمید. بیست و چهار سال است که ما با مشکلات دست و پنجه نرم می کنیم؛ اما در تمام این مدت پیش رفتیم و در یک نقطه متوقف نشدیم. کسانی که سعی می کنند دائم آیه یأس



بخوانند و دلها را ناامید کنند، اگر دشمن و عامل دشمن نباشند، غافلند و به قضایا نگاه وسیع ندارند. ما وقتی به قضایا نگاه وسیع می‌کنیم، می‌بینیم امروز جمهوری اسلامی توانسته است در ملتهای مسلمان بیداری ایجاد کند. حالا عدّه‌ای در داخل کشور ما بیایند و شعار برگشتن امریکا را بدهند! این نشانه نهایت غفلت و ضعف و زبونی و ذلت‌پذیری در دل‌های خود اینها نیست؟ ما به فضل اسلام، قوی هستیم. ما باید قوت خودمان را بشناسیم و از آن استفاده کنیم. در درجه اول هم باید کارایی خود را در داخل کشور نشان دهیم. کارایی هم یک چیز معجزنشان نیست؛ هرکس اگر به وظیفه خود عمل کند، راه خود را بشناسد و از آن تخطی نکند، این می‌شود کارایی؛ هم در مورد دولت این طور است، هم در مورد قوه قضاییه این طور است، هم در مورد مجلس شورای اسلامی این طور است و هم در مورد شوراهای اسلامی این گونه است. کسانی که در شوراهای اسلامی انتخاب شده‌اند، باید به اعتماد مردم پاسخ دهند و واقعاً از سیاسی‌کاری و کارهایی که اسلاف آنها بعضاً انجام دادند و مردم را از بعضی امور دلزده کردند، دوری‌گزینند؛ به کار بپردازند و حقیقتاً به مردم نشان دهند که می‌خواهند برای آنها کار کنند. دولت و مجلس شورا و قوه قضاییه هم راه کسب محبوبیتشان در نظر مردم جز این چیز دیگری نیست. مردم، اسلام و نظام اسلامی را دوست می‌دارند. با تلقین دشمنان و با کار و میدان‌داری بازیگران سیاسی دنیا و دنباله روی توپ جمع‌کنان‌شان در داخل، نمی‌شود نظر مردم را از نظام اسلامی برگرداند. شما به هر جای کشور بروید، همین طور است. وقتی شما به سیستان و بلوچستان و شهرهای دور از مرکز و سایر نقاط کشور می‌روید و نگاه می‌کنید، می‌بینید همین طور است؛ مردم از اعماق وجودشان نظام اسلامی را می‌خواهند؛ منتها از این نظام اسلامی توقعاتی دارند و این توقعات باید برآورده شود. این توقعات، بحق هم هست؛ توقع عدل و رفاه و پیشرفت در امور زندگی و برطرف شدن مشکلات و کم شدن شکافهای طبقاتی و برخوردار نشدن عزیزان بی‌جهت در میدان سیاست و اداره کشور را دارند. این توقعات، توقعات درستی است؛ همین چیزهایی است که اسلام به ما و مردم یاد داده؛ اینها تعلیمات اسلامی است. رفتار بزرگان صدراسلام و کسانی که الگوی مردم و الگویی ما هستند، برای ما نقل شده؛ این جزو فرهنگ ملت ما در طول سالهای متمادی است. ما باید به این توقعات عمل کنیم؛ حتی اگر لازم است، باید بر خودمان سخت بگیریم و فشار بیاوریم تا بتوانیم آنچه را که بر عهده ماست، انجام دهیم و ان شاءالله بر مشکلات فائق آییم. مردم نظام را دوست دارند؛ ما هستیم که وظیفه داریم طبق موازین نظام اسلامی در همه بخشها عمل کنیم.

امیدواریم خداوند متعال نظر لطف خود را از این ملت، از این کشور و از این نظام اسلامی بر ندارد و همچنان که تا امروز - به فرمایش امام - در همه ادوار نظام جمهوری اسلامی و در همه پیچ و خمها و فراز و نشیبها دست قدرت الهی به ما کمک کرده و ما آن را در موارد مختلف حس کرده ایم و دیده ایم، در آینده هم در آزمایشها و امتحانهای گوناگونی که پیش روی ما خواهد آمد، دست قدرت الهی به ما کمک کند و ما هم بندگان شایسته‌ای برای حفظ امانت الهی و ان شاءالله کسب رضایت پروردگار باشیم. خداوند همه شما و ما را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه کند و روح مطهر امام بزرگوار و شهدای ابرار را مشمول رحمت و فضل خود قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته